

بررسی انتقال گویش‌های اجتماعی از آلمانی به فارسی با استناد به ترجمه فرشته آبی، اثر هاینریش مان

ایراندخت طلوعی هریس*

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،
تهران، ایران

محمدحسین حدادی**

دانشیار زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران،
ایران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۴، تاریخ تصویب: ۹۴/۰۵/۳۱)

چکیده

ترجمه دارای نکات ظریفی است که بی‌توجهی به آن‌ها ممکن است باعث آسیب دیدن متن و مفهوم آن شود. یکی از این نکات اساسی گویش‌های اجتماعی است که شایسته است مانند گویش‌های جغرافیایی در ترجمه دیده شود. گویش‌های اجتماعی که گاه پیکره اصلی داستان را می‌سازد، معرف شخصیت‌ها و حاوی اطلاعاتی در ارتباط با گویشوران است. جستار حاضر به تبیین اهمیت و کارکرد این نوع گویش‌ها در متون ادبی می‌پردازد و انتقال آن‌ها را در ترجمه بررسی می‌کند، با استناد به ترجمه فرشته آبی، رمانی اجتماعی از هاینریش مان، به دست محمود حدادی از زبان آلمانی به فارسی که در سال ۱۳۷۳ نشر آویشن منتشر کرده است. این جستار علاوه بر تجزیه و تحلیل راهبردهای مترجم برای انتقال گویش‌های اجتماعی سه شخصیت داستانی این اثر، به دنبال بررسی این نکته است که باید به چه عواملی در ترجمه این نوع گویش‌ها توجه کرد.

واژه‌های کلیدی: ترجمه، داستان، گویش اجتماعی، گویشور، متن، مترجم.

*. فکس: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، Email: irandokht_tuluie@yahoo.com

** تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۰۱، فکس: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، Email: haddadi@ut.ac.ir

مقدمه

در نوشتار حاضر به شیوه بیان یا طرز بیان خاص گروهی اجتماعی، گویش اجتماعی^۱ اطلاق می‌شود. گویش‌های اجتماعی به دلیل ماهیت خود که گویش طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی است، ممکن است برای طبقات و گروه‌های دیگر قابل درک نباشد، چرا که طبقات و گروه‌ها زمینه فرهنگی متفاوت و گاه ساختار، اصطلاحات و نوع بیان مختص به خود دارند. طبیعی است که مترجم نیز نمی‌تواند به تمامی این عوامل آگاه باشد. به نظر می‌آید ترجمه گویش‌های اجتماعی به علت چندوجهی بودن این نوع گویش‌ها بحث‌برانگیز باشد. گویش‌های اجتماعی نشان‌دهنده هویت، گروه اجتماعی، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی و به‌طور کلی بیانگر جایگاه فرد در جامعه است؛ بنابراین، به ترجمه این نوع گویش‌ها باید نگاه ویژه‌ای داشت.

مترجم آفریننده متن است و بسته به اهمیت گویش اجتماعی در متن تصمیم می‌گیرد که آیا نسبت به انتقال آن اقدام کند یا نکند و اگر قرار است گویش اجتماعی را به متن زبان مقصد برگرداند، چه راهبردهایی را به کار برد. در تعیین گویش‌های اجتماعی عوامل و مؤلفه‌های بسیاری نقش دارد، مانند میزان تحصیلات، شغل، طبقه اجتماعی و سن. همچنین، تأثیر این عوامل در بین زبان‌ها ممکن است مشکل‌ساز باشد. بنابراین، ترجمه آنان مستلزم دقت و تجزیه و تحلیل علمی است. از این گذشته، این نوع گویش‌ها مانند دیگر تظاهرات زبان ممکن است بار تلویحی و ضمنی داشته باشد که خود باعث ایجاد تفاسیر متفاوتی از معنای ضمنی می‌شود.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه ارشد نگارنده با موضوع «بررسی مشکلات ارزش‌های ضمنی، با تکیه بر گویش اجتماعی، با توجه ویژه به ترجمه فرشته آبی از هاینریش مان» است که در سال ۲۰۱۴ از آن دفاع شد. در ارتباط با پیشینه تحقیقاتی گویش اجتماعی می‌توان به آثار زیر اشاره کرد. کشاورزی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود (۲۰۰۸) با موضوع «گویش، چالشی در متون ادبی» در کنار گویش جغرافیایی که موضوع اصلی پژوهش بود، به‌صورت کوتاه به این موضوع پرداخته است. در زبان آلمانی نیز کتاب *گویش اجتماعی و نقش اجتماعی (Soziolekt und soziale Rolle)* از ولفگانگ اشتاینینگ^۲ در سال ۱۹۷۶ به تأثیر رفتار زبانی

1. soziolekt
2. Wolfgang Steinig

گروه‌های اجتماعی مختلف در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون پرداخته است. مقاله «عناصر اجتماعی و جغرافیایی به‌عنوان مشکلات ترجمه» (Dialektale und soziolektale Elemente als Übersetzungsproblem) از بریل چنیا نیز ترجمه عناصر گویش‌های اجتماعی را مطالعه کرده است.

از آنجا که جای خالی پژوهش‌های جامع در خصوص انتقال گویش‌های اجتماعی در ترجمه بین زبان‌های آلمانی و فارسی کماکان حس می‌شود، این مقاله درصدد است، نخست تعریف دقیقی از گویش اجتماعی^۱ و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن ارائه دهد و با تبیین کارکرد گویش‌های اجتماعی در متون ادبی، انتقال آنان در ترجمه را با استناد به ترجمه فرشته آبی، اثر هاینریش مان، در بعد عملی تجزیه و تحلیل کند. اثر فرشته آبی رمانی اجتماعی است و هر یک از شخصیت‌های داستان گویش اجتماعی مربوط به گروه اجتماعی خود را دارد. در این مقاله انتقال گویش اجتماعی شخصیت داستانی «پرفسور گند» و دو دانش‌آموزش در ترجمه فارسی فرشته آبی بررسی خواهد شد.

پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخ مناسب برای پرسش‌های زیر است:

۱. اهمیت ترجمه گویش‌های اجتماعی چیست؟
۲. در ترجمه این نوع گویش‌ها چه عوامل و مؤلفه‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد؟
۳. در اثر مورد بررسی مترجم از چه راهبردهایی برای انتقال گویش‌های اجتماعی بهره برده است؟

بحث و بررسی

تبیین اصطلاح گویش اجتماعی

گروه‌های اجتماعی اغلب طرز بیان خاص خود را دارند. به‌طرز بیان مشترک و مرسوم گروه‌های اجتماعی در اصطلاح گویش اجتماعی اطلاق می‌شود. این گروه‌ها شامل طبقات مختلف اجتماعی، مانند طبقات متوسط یا پایین جامعه یا شامل گروه‌های شغلی و تحصیلی مانند بازاریان یا استادان دانشگاه است. برای مثال، نمونه گویش اجتماعی گروه‌های شغلی، شامل اصطلاحات شغلی است که گاه فهمش برای دیگر افراد جامعه مشکل است؛ مانند نوع بیان تجار یا نوع گفتار مردم در بازار بارفروشان. گویش اجتماعی استادان نیز نشان‌دهنده میزان

1. sociolect

تحصیلاتشان یا گویش اجتماعی طبقات مختلف بیانگر جایگاه اجتماعی آنان در جامعه است. به عبارتی دیگر، عواملی مانند طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات، شغل، جنس، سن، آشنایی با فرهنگ‌های دیگر، رفت‌وآمد با افراد خاص، فرنگ‌مآبی بودن فرد و امکانات رفاهی بر گویش اجتماعی شخص تأثیرگذارند. برای مثال، افرادی که از تحصیلات بالایی برخوردارند ممکن است در گفتار خود از واژه‌های فخیم استفاده کنند.

به نظر گلیتس (۱۹۷۱: ۷۵) گویش اجتماعی مجموعه گنجینه زبانی یک گروه است، مشروط به اینکه تشکیل گروه متأثر از عوامل جغرافیایی نباشد. از نظر هایکه (۱۹۶۹: ۷۸) زمانی که تک‌تک افراد یک جامعه زبانی با ویژگی‌های خاصی سخن بگویند که این ویژگی‌ها مبتنی بر مشخصه‌های فردی نباشد [مانند داشتن لکنت، بریده‌بریده یا تند صحبت کردن]، بلکه وابسته به مشخصه‌های گروهی باشد [مانند استفاده از واژه‌های فخیم برای تحصیل‌کردگان] با گویش اجتماعی مواجهیم.

با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت گویش اجتماعی گروه نوع خاصی از به‌کارگیری زبان و جزو مؤلفه‌های مشترک و مهم بین اعضاست. از این‌رو، شالوده هویت جمعی یک گروه را می‌سازد. گویش اجتماعی، به‌منزله نکته اشتراک مهم گروه، ممکن است شامل اطلاعات فرعی مهمی در خصوص سن، شغل، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، فرهنگ و جزآن اعضای گروه باشد.

تفاوت گویش اجتماعی و جغرافیایی در آن است که گویش اجتماعی مربوط به طبقات و گروه‌های اجتماعی یک جامعه است، اما گویش جغرافیایی محدود به مکان جغرافیایی است. البته، ترکیب این دو نوع نیز شدنی است. برای مثال، بازاریان یزد با بازاریان تهرانی گویش اجتماعی متفاوتی دارند که متأثر از عوامل فرهنگی است. ممکن است بین گویش جغرافیایی و طبقه اجتماعی گویشوران نیز رابطه معناداری وجود داشته باشد؛ یعنی، کاربرد گویش جغرافیایی بعد اجتماعی بیاید. برای مثال، اگر در ایران در رمان یا سریالی فردی با لهجه جغرافیایی خاص منطقه‌ای، برای مثال به لهجه روستایی شمالی یا جنوبی صحبت کند، بیننده یا خواننده به‌طور غیرمستقیم برداشت می‌کند که فرد مذکور از طبقه پایین جامعه است؛ به عبارت دیگر، روستاییان در ایران خود به‌عنوان طبقه اجتماعی مطرح می‌شوند.

گویش فردی مبنای تقسیم‌بندی گویش‌های اجتماعی

هر شخصی طرز بیان خاص خود را دارد که دربردارنده اطلاعات مهمی درباره هویت آن شخص است. این شیوه بیان مختص به خود فرد، گویش فردی نامیده می‌شود. گویش فردی ارتباط مستقیمی با خود شخصیت فرد دارد. به نظر بشلايفر (۲۰۱۰: ۷۷-۷۸)، گویش فردی هم دربردارنده هویت فردی و هم هویت جمعی است، از این رو مبنای تقسیم‌بندی گویش‌های مختلف اجتماعی قرار می‌گیرد. بر اساس ویژگی‌های گویش فردی، افراد گروه اجتماعی خاصی ویژگی‌های گویش اجتماعی آن گروه را مشخص می‌سازند؛ برای مثال، بررسی گویش فردی بازاری‌ها، تعیین‌کننده مشخصه‌های گروه بازاریان است. به عبارتی دیگر، گویش اجتماعی رنگ و بوی گویش فردی دارد.

گویش اجتماعی در حیطه جامعه‌شناسی زبان

ترجمه‌شناسی دانشی میان‌رشته‌ای و نیازمند بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های سایر علوم در راستای مطالعات خود است. یکی از این علوم، جامعه‌شناسی زبان است که به پرسش‌های ترجمه‌شناسی در ارتباط با گویش اجتماعی پاسخ می‌دهد. از نظر کلمنت (۲۰۰۰: ۲۳۳)، جامعه‌شناسی زبان به ارتباط بین ویژگی‌های جامعه‌شناختی گویشوران با ویژگی‌های زبانی نحوه سخن‌گفتنشان می‌پردازد. وی در ادامه پرسش‌هایی را در این زمینه مطرح می‌کند که روشن‌کننده چگونگی ارتباط بین گوینده و شنونده است. طرح چنین پرسش‌هایی از سوی مترجم نیز به تحلیل گویش‌های اجتماعی در ترجمه کمک می‌کند. این پرسش‌ها عبارت است از (همان: ۲۳۴):

۱. گویندگان و شنوندگان متعلق به چه گروه اجتماعی‌اند؟
 ۲. رابطه اجتماعی میان آنان چه نوع رابطه‌ای است؟ رابطه میان مافوق و زیردست، رابطه میان زن و مرد، رابطه دوستانه یا خصمانه، رابطه میان معلم و دانش‌آموز؟
 ۳. موقعیت ارتباط تا چه حد رسمی، صمیمانه، سنتی، راحت و خودمانی است؟
 ۴. طرفین ارتباط متعلق به کدام جامعه زبانی‌اند؟ مانند ارتباط با خارجی‌ها، کارگران خارجی یا گویشوران گویشی دیگر.
- بر اساس این پرسش‌ها درمی‌یابیم، گویش‌های اجتماعی ممکن است در موقعیت‌های مختلف، متفاوت باشد. به عبارتی دیگر، کاربرد گویش اجتماعی ممکن است متغیر باشد؛ یعنی،

هر فردی بسته به موقعیت و شرایطی که در آن قرار می‌گیرد، ممکن است از گویش اجتماعی متفاوتی استفاده کند و همواره چنین نباشد که فرد، در طول عمر خود، تنها یک نوع گویش اجتماعی به کار گیرد؛ برای مثال، دانش‌آموزی در برخورد با معلم خود، از گویش اجتماعی متفاوتی در مقایسه با دوستان و همسالانش استفاده می‌کند یا استاد دانشگاه ممکن است در بازار چارواداری و در کلاس درس شسته‌ورفته صحبت کند. شایسته است مترجم هنگام رویارویی با گویش اجتماعی با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده ابتدا، ویژگی‌های گویش‌های اجتماعی را تحلیل کند. سپس، تعلق آن به گروه خاصی را تعیین کند و علاوه بر تعیین موقعیت گفتار، به عوامل دیگری از جمله سن، جنس و میزان تحصیلات گویشوران نیز توجه داشته باشد.

کاربرد و اهمیت گویش اجتماعی

کاربرد گویش اجتماعی در رمان کاملاً آگاهانه است و نویسنده برای معرفی شخصیت‌های داستانش و متمایز ساختن آن‌ها از یکدیگر از این فن استفاده می‌کند. به کارگیری آن در رمان راهی برای نشان‌دادن تفاوت زبانی افراد طبقات اجتماعی مختلف است و تصویری دقیق از فرد و جایگاه وی ارائه می‌دهد. از این رو، خواننده با درک این گویش و دریافت اطلاعات فرعی همراه آن، غیرمستقیم پی به نوع شخصیت و جایگاه گویشور می‌برد.

از نظر چینیا (۲۰۰۴: ۵۰۵) عناصر گویش اجتماعی و جغرافیایی شامل ویژگی‌های آوایی-آواشناختی، ویژگی‌های ساخت‌واژه‌ای و نحوی و ویژگی‌های قاموسی-معنایی، در متون ادبی ممکن است از جنبه‌های مختلف کاربردهای زیر را داشته باشد (همان: ۵۰۹):

- خواننده رویدادهای تخیلی نویسنده را راحت‌تر می‌پذیرد و باور می‌کند.
- خواننده احساس می‌کند گفتارهای درون متن واقعاً گفتارهای شفاهی است.
- تفاوت‌های زبانی بین افراد را، گذشته از معنای ضمنی نهفته در گویش اجتماعی ایشان، مشخص می‌کند.
- سلسله‌مراتب اجتماعی قدرت را در حیطه سبکی-زبانی روشن می‌کند.
- دید اجتماعی و سیاسی گویشوران را روشن می‌سازد.

هم‌ارزی از دید کولر

با توجه به این کاربردهای مهم، مترجم وظیفه دارد با تحلیل درست گویش اجتماعی و انتقال آن در ترجمه، تصویری از شخصیت داستان به خواننده ارائه دهد که مورد نظر نویسنده بوده است. بدین منظور، وی عبارات و واژگان مناسبی را انتخاب می‌کند که کاربرد و بار معنایی مشابهی در زبان مقصد دارد؛ یعنی، عبارات و واژگان زبان مقصد و مبدأ هم‌ارزند. کولر (۲۰۱۱: ۲۱۹) این هم‌ارزی را در اصطلاح Äquivalenz می‌نامد و پنج نوع هم‌ارزی تعیین می‌کند: هم‌ارزی معنایی (قاموسی)^۱، هم‌ارزی در بار معنایی (معنای ضمنی)^۲، هم‌ارزی در قواعد متنی^۳، هم‌ارزی پراگماتیکی^۴، هم‌ارزی زیبایی‌شناختی^۵. گویش‌های اجتماعی کاربردها و معناهای ضمنی متفاوتی دارد و در تقسیم‌بندی کولر (همان: ۲۴۶-۲۵۰) در دسته هم‌ارزی در بار معنایی قرار می‌گیرد. وی هم‌ارزی بار معنایی را به هشت بعد تقسیم‌بندی می‌کند:

۱. سطح زبانی، مانند فخیم، محاوره‌ای و رکیک
 ۲. مربوط به طرز بیان گروه‌های اجتماعی، مانند زبان سربازان و زبان دانشجویان
 ۳. جغرافیایی، مانند لهجه اتریشی
 ۴. ابزار زبانی، مانند زبان نوشتار و گفتار
 ۵. سبکی، مانند منسوخ، پر از استعاره و مجاز، در لفافه گفتن یا حسن تعبیر
 ۶. بسامدی، مانند رایج‌بودن یا کمتر رایج بودن واژگان
 ۷. کاربردی، مانند زبان معیار و زبان تخصصی
 ۸. ارزش‌گذاری، مانند ارزش‌گذاری مثبت یا منفی واژگان یا عبارات.
- البته، معناهای ضمنی گویش‌های اجتماعی تنها منحصر به تقسیم‌بندی شماره دو نیست و ممکن است ویژگی‌های چندین تقسیم‌بندی را در خود جای دهد. برای مثال، گویش اجتماعی تحصیل‌کردگان ممکن است هم شامل ویژگی سبکی فخیم باشد و هم پر از استعاره و مجاز. مترجم با توجه به نوع گویش اجتماعی با انتخاب واژگان و عباراتی که بار معنایی مشابهی را

1. denotative äquivalenz
 2. konnotative äquivalenz
 3. textnormative äquivalenz
 4. pragmatische äquivalenz
 5. formal-ästhetische äquivalenz

در زبان مقصد داشته باشد، یعنی با ایجاد هم‌ارزی در ترجمه، گویش‌های اجتماعی را به زبان مقصد انتقال می‌دهد.

گویش اجتماعی در ترجمه

با عنایت به این موضوع که زبان‌ها در ماهیت خود به دلیل وجود جنبه‌های بی‌شمار معنایی، فرهنگی، کاربردی، ساختاری و جزآن، ویژگی‌های کاملاً یکسانی ندارند، انتقال گویش‌های اجتماعی یکی از تظاهرات نسبتاً پیچیده زبان است و با گرفتاری روبه‌روست. لویین (۲۰۱۰: ۱۰۰) با نقل مضمونی از پروچازکا^۱ علت مشکل‌ساز بودن ترجمه گویش‌های اجتماعی را به صورت خلاصه این‌گونه بیان می‌کند: فرهنگ‌های مختلف طبقات اجتماعی متفاوتی دارد، به همین دلیل ترجمه گویش اجتماعی برای فرهنگی دیگر مشخصاً دشوار است؛ برای مثال، طبقه اشراف در انگلستان وجود دارد، در حالی که چنین طبقه‌ای در کشورهای بلوک شرق سابق وجود نداشته است. از این رو، ممکن است گویش خاص یک گروه اجتماعی برای خوانندگان از فرهنگ‌های مختلف تداعی‌کننده گروه اجتماعی یکسانی نباشد.

از نظر چنیا (۲۰۰۴: ۵۰۷) همان‌گونه که زبان‌ها سیستم دستوری متفاوتی دارند، شیوه بیان آن‌ها نیز نامتقارن است. از نظر وی، یکی از این علت‌ها این است که تمامی زبان‌ها دچار تحول تاریخی می‌شوند. تحول تاریخی زبان هم خود ماده زبان را تغییر می‌دهد که به آن تحول زبانی می‌گویند و هم شیوه بیان را تغییر می‌دهد که به آن تغییر کاربردی یا تغییر استانداردها می‌گویند. این دو گونه تحول، هم بر شکل‌گیری تطور و تنوع درون‌زبانی تأثیرگذارند [مثل دگرگونی‌های دستوری و آوایی] و هم بر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی که خود معیار سنجش گونه‌های زبانی مانند گویش‌های اجتماعی و جغرافیایی در دوران و فرهنگ‌های مختلف است. این امر بر محتوای معناهای ضمنی عناصر گویش‌های اجتماعی - جغرافیایی تأثیرگذار است که ممکن است در موقعیت‌های متفاوت و زمان‌های مختلف در خود نهفته داشته باشند (همان). برای مثال، روزگاری واژه «مزخرف» در معنای زراندود به کار می‌رفته است، اما امروزه معنایی منفی در خود دارد. یا روزگاری مردم ایران هنگام سخن‌گفتن از واژگان عربی استفاده می‌کردند که نشان‌دهنده میزان سواد

بالای آنان بود. این ارزش در زمان قاجار تغییر کرد و استفاده از واژگان فرانسه چنین ارزشی یافت.

بررسی انتقال گویش اجتماعی در ترجمه فرشته آبی از هاینریش مان

هاینریش مان نویسنده‌ای است که دست‌کم در دو اثرش با دید انتقادی به جامعه می‌نگرد. زبردست^۱ و فرشته آبی^۲ از مشهورترین آثار انتقادی-اجتماعی وی است که به طرز طنزآمیزی از جامعه و پهلومی انتقاد می‌کند. رمان *Professor Unrat* در سال ۱۹۰۵ منتشر و در سال ۱۹۳۰ فیلمی با همین نام^۳ به کارگردانی یوزف فون اشتربِگ^۴ از آن ساخته شد. فرشته آبی داستان استبداد معلم دبیرستان بر دانش‌آموزان و اطرافیان خود است. پرفسور گند، شخصیت اصلی رمان، گویش فردی منحصر به خود را دارد. از نظر اشپرنگل (۲۰۰۴: ۸)، خودکامگی نظام در شخص پرفسور گند به گونه‌ای متبلور و تشدید می‌شود که خود او را دچار انزوا می‌کند. افزون‌بر این، دو دانش‌آموز داستان، یعنی لوهمان و کیزلاک هر کدام متعلق به طبقه اجتماعی خاصی‌اند. اگر دید انتقادی-اجتماعی مان در ترجمه نادیده گرفته شود، حاصل ترجمه، داستان ساده‌ای حول محور مدرسه برای مخاطبانی از قشر دانش‌آموز خواهد بود؛ حال آنکه با اثری ادبی مواجهیم که جامعه را زیر تیغ انتقاد گرفته است. اکنون، با گزیده‌ای از گویش‌های اجتماعی به‌کاررفته در متن اصلی اثر فرشته آبی، چگونگی انتقال آن‌ها از زبان مبدأ (آلمانی) به زبان مقصد (فارسی) را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

بررسی انتقال گویش اجتماعی پرفسور گند

„Sie sind nicht würdig, an der erhabenen Jungfrauengestalt, zu der wir jetzt übergehen, Ihre geistlose Feder zu wetzen.“ (مان، ۱۹۶۸: ۷)

1. *Der Untertan*

2. *Professor Unrat oder das Ende eines Tyrannen*

۳. عنوان کتاب در فارسی از نام فیلم گرفته شده است و آقای محمود حدادی این اثر را برای اولین بار در ایران با نام فرشته آبی به فارسی ترجمه کرد. این کتاب را در سال ۱۳۷۳ انتشارات آویشن چاپ کرد.

4. Josef von Sternberg

«شما شأن آن را ندارید تا درباره دوشیزه والا^۱ که اکنون کلاس بدان رو می‌آورد، قلم بی‌روحتان را به کار بگیرید» (مان، ۱۹۹۴: ۱۳).

پرفسور گند که معلم دبیرستان است سعی می‌کند گویش اجتماعی تحصیل‌کردگان، یعنی زبان معیار، را به کار برد؛ اما از آنجا که گفتارش دارای واژه‌های فخیم ادبی است و با توجه به موقعیت این گفتگو که مخاطبانش دانش‌آموزانش‌اند به نظر می‌رسد، سبک مبالغه‌آمیزی دارد و گویش فردی و اجتماعی او تصنعی است. برای مثال، به‌کارگیری واژه‌هایی چون würdig, erhaben, übergehen باعث شده است سبک گفتارش ادبی، فخیم، سرگران و تا حدی متکبرانه باشد. عبارت geistlose Feder که در آن آرایه ادبی استعاره به‌کار رفته است، نشان دیگری از سبک ادبی گویش اجتماعی و فردی وی است. مترجم برای انتقال این ترکیب در ترجمه از راهبرد آرایه ادبی استعاره مکنیه (پنهان) استفاده کرده است؛ یعنی، عبارت «قلم بی‌روح» در زبان مقصد نیز دارای آرایه ادبی است. علاوه بر این، پرفسور گند در عبارت an der erhabenen Jungfrauengestalt, Ihre geistlose Feder zu wetzen به معنای تصویرشکنی یا ادغام دو تصویر بهره گرفته است؛ یعنی، اصطلاح Katachrese عامیانه seinen Schnabel an jemanden wetzen را که به معنای «درباره کسی بدگویی کردن» یا «با تمسخر سخن گفتن» است، با منظور خود درهم آمیخته است. البته، عبارت فارسی «قلم بی‌روح خود را به‌کار گیرید» فاقد چنین آرایه ادبی است. از حیث نحوی نیز گویش وی جمله پایه و پیرو دارد و از جملات کوتاه و ساده استفاده نکرده است. این ویژگی نحوی در ترجمه نیز رعایت شده است. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت در مثال مورد بررسی استفاده از واژگان فخیم ادبی و آرایه‌های ادبی چون استعاره و karachrese تصویرشکنی از ویژگی‌های گویش اجتماعی و فردی پرفسور گند است که راهبرد مترجم برای انتقال این گویش استفاده از استعاره مکنیه و عباراتی است که سطح عامیانه ندارد، مانند «دوشیزه والا» و «شأن آن را ندارید».

۱. واژه Jungfrauengestalt به معنای شخصیت این دوشیزه است که به‌درستی ترجمه نشده است.
۲. اصطلاح zu etwas übergehen به معنای «به چیزی پرداختن» یا «درباره چیزی بحث کردن» است. برای آن معادل «که اکنون کلاس بدان رو می‌آورد» در نظر گرفته شده است که در بردارنده این مفهوم نیست. معادل فارسی «که اکنون بدان خواهیم پرداخت» معادل مناسب‌تری است.

– kein Einwand dagegen, daß ihr ein junger Bursch, welcher des Geistes einerseits und des Gemütes andererseits nicht völlig ermangelt, immerhin noch mehr zusage. (مان، ۱۹۶۸: ۵۸)

«... پسری جوان، اگر از حیث روح^۱ از یک‌سو، و عاطفه از سوی دیگر، نقص مطلقى نداشته باشد، هر آینه^۲ بیشتر مقبول خاطر او می‌افتد» (مان، ۱۹۹۴: ۹۱).

عبارت kein Einwand dagegen به معنای «البته حرفی نیست» دارای سبک ادبی است. این عبارت که یکی از ویژگی‌های گویش اجتماعی فردی پرفسور گند را می‌رساند، در ترجمه حذف شده، گرچه حذف این عبارت به محتوای متن آسیب نرسانده، اما گویش اجتماعی و فردی این شخص را متضرر ساخته است. علاوه بر این عبارت، به کارگیری فعل ermangeln که در زبان آلمانی به دلیل ظرفیت دستوری خاصش و رنگ و لعاب قدیمی‌اش واژه‌ای فخیم محسوب می‌شود، نشان‌دهنده گویش اجتماعی شسته‌ورفته این استاد است. مترجم برای انتقال این ویژگی فعل «نقص مطلقى نداشتن» را به کار برده است که در زبان فارسی سطح عامیانه‌ای ندارد. از دیگر ویژگی‌های گویش اجتماعی و فردی این استاد می‌توان به کاربرد واژگانی مانند immerhin اشاره کرد. راهبرد مترجم برای انتقال این ویژگی استفاده از کهن‌واژه‌هایی چون «هر آینه» است که امروزه در فارسی کاربردی ندارد. مترجم همچنین، از این راهبرد (کهن‌واژه) برای انتقال سبک فاخر گویش اجتماعی و فردی پرفسور گند بهره برده است، مانند کهن‌واژه «مقبول خاطر کسی افتادن». از حیث نحوی نیز می‌توان به جمله‌ای طولانی با جملات پیرو اشاره کرد که از جنبه دستوری کمی پیچیده است. مترجم این ویژگی نحوی را با جمله طولانی مشابهی به زبان مقصد انتقال داده است. اگر موقعیت این گفتگو (مخاطب گفتگو همسر کیپرت بازیگر^۳) را با موقعیت مثال پیشین مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که عامل موقعیت نقشی تعیین‌کننده در گویش اجتماعی و فردی پرفسور گند نداشته و هر دو گویش اجتماعی و فردی دارای ویژگی‌های مشابهی است.

۱. واژه Geist با توجه به عبارت ... andererseits ... einerseits که به واژه‌ای در تضاد با Gemüt (عاطفه) نیاز دارد، به درستی ترجمه نشده و «خرد» یا «عقل» از این حیث معادل مناسب‌تری است.

۲. این قید به معنای «دست کم» است و «هر آینه» که در فارسی قدیم به معنای حتماً به کار می‌رفت، از حیث مفهوم معادل مناسبی نیست.

۳. Artist Kiepert یکی از شخصیت‌های داستان

بررسی انتقال گویش اجتماعی لوهمان دانش‌آموز

Meine Alten sind auf dem Ball bei Konsul Breetpoot. Wie findest du das, daß unsereiner nicht eingeladen wird? (مان، ۱۹۶۸: ۵۰)

«ننه و بابام رفته‌اند به جشن کنسول بریت‌پوت. تو فکر می‌کنی که چرا ماها را دعوت نمی‌کنند؟» (مان، ۱۹۹۴: ۷۹)

لوهمان جوان [۱۷ ساله] از خود تصویر روشنفکری را ارائه می‌کند که رویکردی جهانی دارد و به لحاظ هنری مستعد است» (امریش، ۱۹۸۱: ۱۷۶). گویش فردی لوهمان متأثر از گویش مختص به طبقه اجتماعی‌اش است. او پسر کنسول و از طبقه بورژوازی بزرگ (Großbürgertum) است. از این رو، گویش اجتماعی وی در قیاس با دیگر دانش‌آموزان، بیشتر در بردارنده استانداردهای زبان معیار است و به‌طور فصیح، فخیم و شسته‌ورفته صحبت می‌کند. همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، عامل موقعیت ممکن است بر نوع گویش اجتماعی و فردی تأثیرگذار باشد. گویش اجتماعی لوهمان در موقعیت این مثال که در محفل دوستان و هم‌سالانش است، یعنی در موقعیت خودمانی و دوستانه، هم دارای واژگان محاوره‌ای است و هم عاری از آرایه‌های ادبی است. برای مثال، واژه *Alten* واژه‌ای است با بار ارزشی منفی برای «پدر و مادر» که در بین جوانان رایج است. مترجم این واژه را در زبان مقصد با دو واژه «ننه و بابام» ترجمه کرده است. واژه «ننه» امروزه دیگر در زبان شهری کاربرد رایجی ندارد. مترجم از این راهبرد برای نشان‌دادن محاوره‌ای بودن و ارزش منفی این واژه در زبان مقصد بهره‌گرفته است. راهبردهای دیگر مترجم برای انتقال این گویش آوردن فعل به اول جمله است که باعث محاوره‌ای شدن جمله شده است: مانند فعل «رفته‌اند» در جمله «ننه و بابام رفته‌اند به جشن کنسول بریت‌پوت». راهبرد دیگر مترجم برای انتقال محاوره‌ای بودن این گفتار اضافه کردن «ها» به ضمیر «ما» است.

Was Sie, gnädige Frau, diesen Kleinstädtern geworden sein müssen! Eine Herrscherin über Gut und Blut, ein angebetete Verderberin. (مان، ۱۹۶۸: ۱۴۷)

«شما، سرکار علیّه، برای این کوچک‌شهری‌ها چه‌ها که باید شده باشید! خاتونی که بر جان‌ها و مال‌ها فرمانروایی می‌کند. بانوی تباهی‌آوری که پرستش می‌شود» (مان، ۱۹۹۴: ۲۳۱).

در این موقعیت، گویش اجتماعی لوهمان در قیاس با مثال پیشین که در موقعیت دوستانه رنگ و بوی محاوره‌ای داشت، شسته‌ورفته و فخیم است. وی در این مثال مقابل هنرپیشه

فروهلش^۱ در نهایت ادب و احترام سخن می‌گوید و کمتر از واژگان و عبارات محاوره‌ای استفاده می‌کند. به عبارتی دیگر، با تغییر موقعیت، گویش اجتماعی خود را تا حدودی تغییر داده است. برای مثال، خطاب gnädige Frau خطابی قدیمی^۲ و از حیث ادبی فخیم است. راهبرد مترجم برای انتقال این عنوان، معادل فارسی «سرکار علیه» است که در زبان مقصد سبکی قدیمی دارد و امروزه در زبان گفتار چندان متداول نیست. واژه Kleinsädter دارای بار ارزشی منفی است؛ یعنی، بار معنای تحقیرکننده در خود دارد و «کوچک‌شهری‌ها» که گرت‌برداری از واژه زبان مبدأ است، این بار منفی را می‌رساند، گرچه ترکیب نوساخته‌ای محسوب می‌شود و چندان مفهوم نیست. شاید معادل «این روستایی‌ها» مناسب‌تر باشد. واژه Herrscherin دارای بار معنایی خنثی است و در ترجمه به صورت جمله «خاتونی که ... فرمانروایی می‌کند» ترجمه شده است. البته، واژه «خاتون» در زبان فارسی امروز منسوخ شده است و دیگر به کار نمی‌رود. عبارت Gut und Blut دارای آرایه ادبی سجع است. مترجم نیز در ترجمه از آرایه سجع بهره گرفته است: «جان‌ها و مال‌ها». عبارت eine angebettete Verderberin دارای آرایه ادبی حسن تعبیر است: angebettet کنایه از فردی است که بسیار محبوب است. ترجمه فارسی آن به صورت زیر است: «بانوی تباهی‌آوری که پرستش می‌شود.» این جمله دارای آرایه ادبی حسن تعبیر نیست. شاید عبارت «مفسده‌محبوب» مناسب‌تر باشد. استفاده از آرایه‌های ادبی چون حسن تعبیر، سجع و واژگان فخیم از ویژگی‌های گویش اجتماعی لوهمان در این مثال است که نشان می‌دهد این فرد باسواد و تحصیل‌کرده است. راهبرد مترجم برای انتقال این گویش در این مثال کهن‌واژه، آرایه ادبی و واژگان فخیم است.

بررسی انتقال گویش اجتماعی کیزلاک دانش‌آموز

Ihr seid auch öde Kerls. Was kommt ihr denn nicht rein? Unrat ist schon drin mit seiner Braut. Ich hab im Saal Bescheid gesagt, wo sie herkommen, da sind sie mit 'n großen Juchhe empfangen. (مان، ۱۹۶۸: ۸۶)

۱. (Die Künstlerin Fröhlich) یکی از شخصیت‌های داستان

۲. البته، باید به زمانی را که این رمان نوشته شده توجه داشت. ممکن در سال ۱۹۰۵ این عنوان قدیمی نبوده باشد و امروزه کاربرد رایجی ندارد.

۳. صحیح آن «جان و مال» است.

«شما هم عجب بچه‌های بی‌معنایی هستید! پس چرا نمی‌آیید تو. گند آنجا با تازه‌عروسش نشسته است. من توی تالار خبر دادم که از کجا می‌آیند. و تالار با یک هلله بلند از آن‌ها استقبال کرد» (مان، ۱۹۹۴: ۱۳۵).

کیزلاک پسر کارمند بندر است. از این‌رو، نماینده قشر خرده‌بورژواست. گویش اجتماعی وی به‌خوبی نمایانگر طبقه اجتماعی اوست و در قیاس با سایر دانش‌آموزان، دربردارنده جملات کوتاه، ساده، اصطلاحات و الفاظ بیش از حد عامیانه و واژه‌های محدود است. او همچنین، از جملات پیرو کمتری استفاده می‌کند. گذشته از این، صرف اشتباه حرف تعریف Juchhe^۱ یکی دیگر از ویژگی‌های گویش اجتماعی کیزلاک است. واژه‌های عامیانه rein, drin, n^۲ اختصار واژه‌های *herein, hinein, drinnen, darin, ein, einen* است. مترجم برای انتقال ویژگی محاوره‌ای این گفتار به جای استفاده از واژه «داخل» از واژه محاوره‌ای «تو» استفاده کرده است. علاوه بر این، مترجم با آوردن فعل «نمی‌آیید» به اول جمله «پس چرا نمی‌آیید تو» به این گفتار رنگ و بوی محاوره‌ای داده است. واژه öde به معنای «کسل‌کننده» است. عبارت «بچه‌های بی‌معنایی» این مفهوم را نمی‌رساند. واژه «بی‌معنایی» صرفاً به دلیل داشتن «الف» در سطحی بالاتر از واژه «بی‌معنی» است که به لحاظ ساختاری متناسب با طبقه اجتماعی کیزلاک نیست. به جای «بی‌معنی» یا «بی‌معنا» امروزه در میان جوانان و دانش‌آموزان واژه «ضدحال» وجود دارد که معنای مشابهی با öde دارد. مترجم در جمله «تالار با یک هلله بلند از آن‌ها استقبال کرد» از آرایه ادبی مجاز برای بیان علاقه به حال و محل استفاده کرده است که این آرایه در زبان مبدأ نیست. بنابراین، متناسب با گویش کیزلاک نیست که عاری از عناصر سبکی است. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت جملات کوتاه و ساده، واژگان عامیانه و محاوره‌ای، حذف شناسه فعل habe که به صورت *hab* درآمده است (به عبارتی دیگر، محاوره‌ای شده است) و اشتباه دستوری در صرف حرف تعریف از ویژگی‌های گویش اجتماعی کیزلاک است. راهبرد مترجم برای انتقال این گویش جملات کوتاه و ساده، به‌کارگیری واژه عامیانه و آوردن فعل به اول جمله است.

Du, so was lebt nicht mehr: sie sitzen im Kabuff und sind zärtlich. Ich lach mich tot!
Komm, nun ziehn wir drei Mann hoch ins Kabuff. (مان، ۱۹۶۸: ۸۶)

۱. با توجه به اینکه حرف تعریف این واژه die یا das است، پس از حرف ربط mit به‌صورت einem, einer صحیح است.

«اخ هی پسر، همچو چیزی تکرار نمی‌شود. نشسته‌اند توی هلفدانی و دل می‌دهند و قلوه می‌گیرند! من از خنده روده‌بر می‌شوم^۱. بیایید سه‌تایی باهم برویم آن تو» (مان، ۱۹۹۴: ۱۳۵).

از ویژگی‌های گویش اجتماعی کیزلاک در این موقعیت دوستانه و خودمانی می‌توان به کاربرد اصطلاح عامیانه، حذف شناسه افعال برای محاوره‌ای نشان‌دادن گفتار مانند *lach, ziehn* و از نظر نحوی به جملات کوتاه و ساده اشاره کرد. به‌کارگیری فعل *ziehen* به معنای «چپیدن» به جای فعل *gehen* یعنی «رفتن» نشان دیگری از محاوره‌ای بودن این گفتار دارد. «اخ هی پسر» که به‌عنوان معادل ضمیر *du* (تو) نوشته شده بر محاوره‌ای بودن طرز گفتار کیزلاک افزوده است. البته، اصطلاح محاوره‌ای *so was lebt nicht mehr* از حیث معنایی درست ترجمه نشده و جمله «همچو چیزی تکرار نمی‌شود» ویژگی مهم این اصطلاح را که همان محاوره‌ای بودن آن است، در ترجمه نرسانده است. با توجه به معنای این اصطلاح که برای بیان تعجب و حیرت حاکی از ناباوری به کار می‌رود، شاید معادل «یه چیز بگم شاخ دربیاری» معادل مناسب‌تری باشد. همچنین، مترجم با آوردن افعال «نشسته‌اند» به اول جمله «نشسته‌اند توی هلفدانی» و «برویم» در «برویم آن تو» طرز بیان کیزلاک را محاوره‌ای ساخته است. از دیگر راهبردهای مترجم استفاده از اصطلاحات عامیانه فارسی مانند «دل می‌دهند و قلوه می‌گیرند» و «از خنده روده‌بر شدم» است. البته اصطلاح «از خنده روده‌بر شدم» تصویر موجود در زبان مبدأ را که همان «از خنده مردم» است، تغییر نداده است.

Is es vielleicht nicht wahr, daß Ihnen die Künstlerin Fröhlich an dem Sonntag durchgegangen ist, Herr Professor? (مان، ۱۹۶۸: ۱۰۲)

«مگر راست نیست که در آن روز یکشنبه هنرپیشه فروهلش شما را قال گذاشته است جناب استاد؟»^۲ (مان، ۱۹۹۴: ۱۶۰).

کیزلاک این گفتار را در سالن دادگاه خطاب به استادش می‌گوید. از این‌رو، در مقایسه با مثال‌های پیشین که موقعیت آن خودمانی و دوستانه بود، موقعیت این گفتار رسمی است. البته، با توجه به طبقه اجتماعی کیزلاک، منطقی نیست انتظار داشته باشیم که این دانش‌آموز مانند لوهمان خیلی شسته‌ورفته و فخیم صحبت کند. در این مثال نیز حذف شناسه فعل (*is* به‌جای

۱. با توجه به زمان فعل «از خنده روده‌بر شدم» صحیح است.

۲. این تنها گفتاری است که در موقعیت رسمی از زبان کیزلاک بیان شده است.

(ist) که نشان از محاوره‌ای بودن گفتار دارد و واژه عامیانه‌ای مانند *durchgehen* به چشم می‌خورد. البته، در قیاس با مثال‌های پیشین درمی‌یابیم که این گفتار از واژگان و عبارات محاوره‌ای و عامیانه کمتری برخوردار است. مترجم علاوه بر انتخاب واژه‌ای محاوره‌ای مانند «قال گذاشتن» برای فعل *durchgehen*، به نظر می‌رسد برای نشان دادن موقعیت رسمی این گفتار عبارت غیرعامیانه‌ای چون «مگر راست نیست» و خطاب احترام‌آمیز «جناب استاد» را به کار گرفته است.

نتیجه

بررسی انتقال گویش‌های اجتماعی نشان داد، چنین گویش‌هایی جزئی از سبک متن به شمار می‌رود و علاوه بر این، بیانگر هویت و جایگاه گویشوران در چارچوب داستان است. نویسنده با انتخاب طبقات اجتماعی مختلف برای شخصیت‌های داستان، شخصیت‌پردازی می‌کند و با به‌کارگیری آگاهانه از گویش اجتماعی علاوه بر متمایز ساختن شخصیت‌های داستان از یکدیگر، تفاوت‌های طبقات اجتماعی مختلف را نیز در قالب زبان نشان می‌دهد. از این رو، مترجم با توجه به کاربرد و اهمیت این گویش‌ها و با تعیین ویژگی‌های گویش‌های اجتماعی می‌کوشد ویژگی‌های خاص یک گروه اجتماعی را با ویژگی‌های گروه مشابهی در زبان مقصد جایگزین کند تا تصویری که از یک شخصیت در ذهن شکل می‌گیرد، مشابه تصویری باشد که مورد نظر نویسنده بوده است. گویش‌های اجتماعی مانند دیگر تظاهرات زبان معنای ضمنی دارد. این معناهای ضمنی بسته به عوامل متعددی چون فرهنگ و تحول تاریخی زبان تغییر می‌یابد. همچنین، بررسی‌های به‌عمل آمده از مثال‌ها نشان داد که عامل موقعیت نیز ممکن است تعیین کند که فرد در چه موقعیتی کدام گویش اجتماعی را به کار برد. در عامل موقعیت علاوه بر نوع رابطه که ممکن است دوستانه، خودمانی یا رسمی باشد، باید به رابطه بین گویشوران نیز توجه داشت. بنابراین، در ترجمه گویش‌های اجتماعی علاوه بر معناهای ضمنی نهفته در آنان به عوامل متعددی مانند فرهنگ، تحول تاریخی زبان، موقعیت گفتار، سن، شغل، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی گوینده نیز توجه شده است.

در رابطه با بررسی ترجمه فرشته آبی و تحلیل گویش اجتماعی پرفسور گند و دانش‌آموزانش این نتیجه حاصل شد که گویش اجتماعی و فردی پرفسور گند شامل واژگان و عبارات فخیم ادبی، آرایه‌های ادبی مانند استعاره و تصویرشکنی (*karachrese*) و از حیث

نحوی نیز شامل جملات طولانی پایه و پیرو است. به عبارتی دیگر، سبک گفتارش ادبی و فخیم است. مترجم برای انتقال این گویش از راهبردهای متفاوتی مانند کهن‌واژه، آرایه ادبی و واژگان فخیم ادبی استفاده کرده و از حیث نحوی نیز جملات پایه و پیرو را به کار برده است. علاوه بر این، بررسی مثال‌ها نشان داد که عامل موقعیت نقشی تعیین‌کننده در گویش اجتماعی و فردی پرفسور گند نداشته است. بررسی گویش اجتماعی لوهمان نیز نشان داد که وی به علت طبقه اجتماعی خود (بورژوازی بزرگ) به طور فخیم و شسته‌ورفته صحبت می‌کند. البته، در موقعیت‌های مختلف، گویش اجتماعی متفاوتی به کار می‌گیرد. برای مثال، در موقعیتی غیرخودمانی به آلمانی استاندارد صحبت می‌کند. استفاده از واژگان فخیم، آرایه‌های ادبی مانند حسن تعبیر و سجع نشان از معلومات و سواد بالای این فرد دارد. راهبرد مترجم برای این گویش در این موقعیت به کارگیری واژه منسوخ، آرایه ادبی و واژگان فخیم است. لوهمان در جمع دوستانش به صورت محاوره‌ای و عاری از آرایه‌های ادبی سخن می‌گوید؛ یعنی، از واژگان محاوره‌ای استفاده می‌کند. راهبرد مترجم برای انتقال محاوره‌ای بودن گویش لوهمان در این موقعیت آوردن فعل به اول جمله یا اضافه کردن «ها» به ضمیر است که باعث محاوره‌ای شدن گفتار شده است. گویش اجتماعی کیزلاک که از قشر خرده‌بورژوازی است، در جمع دوستان شامل جملات کوتاه و ساده، اصطلاحات و واژه‌های عامیانه، اشتباه دستوری و حذف شناسه فعل‌ها به منظور محاوره‌ای شدن گفتار است. وی در موقعیت رسمی نیز از واژگان و عبارات محاوره‌ای و عامیانه کمتری استفاده می‌کند. راهبرد مترجم برای انتقال ویژگی‌های محاوره‌ای طرز بیان کیزلاک استفاده از واژگان محاوره‌ای، اصطلاحات عامیانه فارسی، آوردن فعل به اول جمله و جملات کوتاه و ساده است. همچنین، مترجم ظاهراً برای نشان دادن موقعیت رسمی گفتار عبارت غیرعامیانه و واژه‌های احترام‌آمیز را به کار برده است.

شایان ذکر است این نتایج صرفاً نمایانگر بررسی‌های انجام‌شده روی چند مثال محدود و محدود است و اظهارنظر در مورد گویش‌های اجتماعی افراد مذکور و راهبردهای مترجم در کل ترجمه نیازمند بررسی مفصل‌تری است.

References

- Bschleipfer, A. (2010). *Der caso Parmalat in der Berichterstattung italienischer Print- und Rundfunkmedien*. Eine Studie zur sprachlichen Markierung von

- Corporate Identity, lokaler und nationaler Identität. Series: Sprache-Identität-Kultur-Band 7. Frankfurt/Main: Peter Lang GmbH. Internationaler Verlag der Wissenschaften.
- Clément, D. (2000). *Linguistisches Grundwissen*. Eine Einführung für zukünftige Deutschlehrer. 2. Aufl. Wiesbaden: Westdeutscher Verlag GmbH.
- Czennia, B. (2004). *Dialektale und soziolektale Elemente als Übersetzungsproblem*. In: *Übersetzung (Traduction): Ein Internationales Handbuch zur Übersetzungsforschung*. By Armin P. Frank, Norbert Greiner, Theo Hermans, Werner Koller, Jose Lambert, Fritz Paul. Berlin. Hrsgb in: Walter de Gruyter GmbH. & Co. KG. S. 505-512.
- Emrich, E. (1981). *Macht und Geist im Werk Heinrich Manns*. Eine Überwindung. Nietzsches aus dem Geist Voltaires. Berlin; New York: Walter de Gruyter & Co.
- Glinz, H. (1971). *Linguistische Grundbegriffe und Methodenüberblick*. (= *Studienbücher zur Linguistik und Literaturwissenschaft*. Bd. 1) Frankfurt/M.
- Heike, G. (1969). *Sprachliche Kommunikation und linguistische Analyse*. Heidelberg
- Keshavarzi, A. (2008): *Dialekt als Herausforderung für die Übersetzung literarischer Texte*. M. A. Arbeit. Universität Teheran.
- Koller, W. (2011). *Einführung in die Übersetzungswissenschaft*. 8. neubearbeitete Aufl. Unter Mitarbeit von Kjetil Berg Henjum. Tübingen: Narr Francke Attempto Verlag GmbH & Co. KG.
- Levin, R. (2010). *Der Beitrag des Prager Strukturalismus zur Translationswissenschaft*. Linguistik und Semiotik der literarischen Übersetzung. Transüd. Arbeiten zur Theorie und Praxis des Übersetzens und Dolmetschens. Berlin: **Frank & Timme GmbH Verlag für wissenschaftliche Literatur**.
- Mann, H. (1994). *Ferešte Abi*. Übersetzung von Mahmoud Haddadi. Teheran Našre Avišan.
- Mann, H. (1968). *Professor Unrat*. Ungekürzte Ausgabe. (Lizenz Claassen Verlag GmbH, Hamburg.) Berlin: Rowohlt Taschenbuch.
- Sprengel, P. (2004). *Geschichte der deutschsprachigen Literatur 1900-1918*. Von der Jahrhundertwende bis zum Ende des Ersten Weltkriegs. München: Verlag C.H. Beck OHG.
- Steinig, W. (1976): *Soziolekt und soziale Rolle*. Untersuchungen zu Bedingungen und Wirkungen von Sprachverhalten unterschiedlicher gesellschaftlicher Gruppen in verschiedenen sozialen Situationen. 1. Aufl. Düsseldorf: Pädagogischer Verlag Schwann.